

## Validation and Evaluation of the Prayer “Wolat Amr” in of the Month of Rajab Preyers

Qasem Bostani<sup>1</sup>

Ali Reza Khansha<sup>2</sup>

### Abstract

The month of Rajab is one of the virtuous months in Islam in which fasting, asking for forgiveness and praying are highly recommended among the prayers included in this honorable month is the fifth prayer, which is recited as a common prayer every day of the month of Rajab, after the daily prayers of virtue. Since this prayer is cited and referenced by Islamic thinkers in philosophical and mystical discussions and the issues raised in it have caused differences between jurists and theologians with philosophers and mystics, so it is necessary to conduct research on it. In this research, the library method is used to evaluate the document and analyze the content of this prayer. The reviews show that the validation of the prayer document indicates the existence of weakness in the chain of the document and the dating of the hadith indicates the establishment of the text of the prayer during the time of Sheikh Tusi in the book *Mesbah Al-Muttahid*. The analysis of the content of the prayer also depends on the type of view. Some consider prayer to contain the great themes of Islamic mysticism and monotheism of verbs, and a group prays for it because of the existence of phrases such as «there is no difference between you and her» with strange, blasphemous themes, and in the eyes of unbelievers the law and the ruling that prayer is false. In general, this research shows that according to the general rhythm of prayer and its alignment with other hadiths and supplications and Quranic and rational criteria, this prayer can be considered correct and valid.

### Keywords

Validation, Prayer, Month of Rajab, Documentery and Content of Preyers.

**Citation:** Bostani, Q., Khansha, A (2020) Validation and Evaluation of the Prayer “Wolat Amr” in of the Month of Rajab Preyers. *Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith*. Vol. 7, No. 1 (Serial. 13), pp. 85-107. (In Persian)

---

1. Responsible Author, Associated Professor Shahid Chamran University of Ahvaz.

Email: Gh.bostani@scu.ac.ir & gbostanee@yahoo.com

2. Ph.D Student of Quran and Hadith, Shahid Chamran University of Ahvaz.

Email: a\_khansha@phdstu.scu.ac.ir

Received on: 08/04/2020

Accepted on: 21/09/2020

## اعتبارسنجی و ارزش‌گذاری دعای «وَلَاةُ أُمْرِ» در ادعیه ماه رجب

قاسم بستانی<sup>۱</sup>  
علیرضا خنشا<sup>۲</sup>

### چکیده

ماه رجب از جمله ماه‌های با فضیلت در اسلام است که در آن روزه، استغفار و دعا زیاد سفارش شده است. از جمله دعاهای وارد شده در این ماه، دعای پنجم است که با «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَلَاةُ أُمْرِكِ» شروع می‌شود و به عنوان دعای مشترک هر روز ماه رجب، بعد از نمازهای یومیه فضیلت قرائت دارد. از آنجا که این دعا مورد استناد و ارجاع اندیشمندان اسلامی در مباحث فلسفی، عرفانی می‌باشد و مضامین مطرح شده در آن، باعث اختلاف بین فقیهان و متکلمان با فلاسفه و عرفا گردیده است، لذا انجام پژوهش آن ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای به شیوه توصیفی-تحلیلی به ارزش‌سنجی سند و محتوای این دعا پرداخته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سند دعا به دلیل وجود راوی ضعیف و مجهول الحال، دچار ضعف می‌باشد و تاریخ‌گذاری از تثبیت متن دعا در زمان شیخ طوسی در کتاب مصباح‌المتبجد خبر می‌دهد اما تحلیل محتوای دعا، بسته به نوع دیدگاه دارد. برخی دعا را حاوی مضامین عالی عرفان اسلامی و توحید افعالی می‌دانند و گروهی آن را به دلیل وجود فزاهایی مانند: «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا» دارای مضامین عجیب، کفرآمیز و نزد متشرعان، غیر قابل باور و حکم به جعلی بودن دعا می‌دهند. در مجموع این پژوهش نشان می‌دهد با توجه به آهنگ کلی دعا و هم‌سویی آن با سایر احادیث و ادعیه و معیارهای قرآنی و عقلی، می‌توان این دعا را صحیح و معتبر دانست.

### کلیدواژه‌ها

اعتبارسنجی، دعا، ماه رجب، اسناد و محتوای ادعیه.

استناد: بستانی، قاسم؛ خنشا، علیرضا (۱۳۹۹). اعتبارسنجی و ارزش‌گذاری دعای «وَلَاةُ أُمْرِ» در ادعیه ماه رجب، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۷ (۱)، پاییز ۱۳، صص ۸۵-۱۰۷.

۱. دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

gh.bostani@scu.ac.ir و gbostanee@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.

a\_khansha@phdstu.scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

## ۱. طرح مسأله

ماه رجب از جمله ماه‌های با فضیلتی است که در اسلام نسبت به انجام فرایض در آن از جمله حج، روزه، زیارت معصومین (ع)، استغفار و دعا سفارش و تاکید فراوانی صورت گرفته است. اعمال این ماه به دو قسم مشترک و مخصوص تقسیم بندی می‌شود. «اعمال مشترک» مربوط به تمام روزهای ماه رجب و «اعمال مخصوص» ویژه روزها یا شب‌های خاصی است. از جمله اعمال مشترک ذکر شده در این ماه، دعای پنجم می‌باشد که توسط یکی از نواب خاص امام زمان (ع) به عنوان توفیق از ناحیه امام، صادر شده است. محتوای این دعا به ویژه فرازهای اولیه، مورد ارجاع و استناد در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی از جمله فلسفه و عرفان و ... می‌باشد. برخی برای ائمه اطهار (ع) با توجه به این فرازها، مقام‌های ویژه‌ای قائل هستند و گروهی این فرازها را منکر و آن را رد می‌نمایند و اعتقاد به جعلی بودن آن دارند. به راستی آیا این دعا از احادیث صحیح است که بتوان به آن استناد نمود؟ تاریخ گذاری این دعا نشان از صدورش در چه زمانی می‌دهد؟ اعتبار سنجی سندی و محتوایی آن چگونه است؟ دیدگاه کدام گروه از اندیشمندان اسلامی درباره آن به صواب نزدیک‌تر است؟

همچنین از آنجا که این دعا مورد استناد و ارجاع اندیشمندان اسلامی در مباحث فلسفی، عرفانی و ... می‌باشد و مضامین مطرح شده در آن مانند وحدت وجود باعث اختلاف بین فقیهان و متکلمان با فلاسفه و عرفا گردیده است و مؤمنین نیز در ایام ماه رجب نسبت به خواندن آن اقدام می‌نمایند، بدیهی است که اعتبارسنجی و ارزش گذاری سندی و محتوایی این دعا روی این ارجاعات اثر مستقیمی دارد و در صورت اثبات ضعف در حدیث با کمک علم رجال و سایر علوم مربوطه، این برداشت‌ها زیر سوال می‌رود، لذا اهمیت انجام پژوهش آن ضروری به نظر می‌رسد.

درباره ماه رجب تاکنون کتاب‌ها و مطالب فراوانی به ویژه در کتب ادعیه به نگارش درآمده و در آن‌ها به فضیلت، اهمیت و اعمال این ماه پرداخته شده است. اما درباره شرح و اعتبار سنجی دعاهای این ماه کار زیادی صورت نگرفته است و تنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: «گزارشی از تحلیل مضامین ادعیه ماه رجب براساس مصباح المتعجد» از زهرا حاج حسنی و مهدی مهریزی، این اثر به شرح و تحلیل کلی اکثر دعاهای ماه رجب پرداخته، «درنگ‌هایی در دعای ماه رجب» از مهدی آصفی که به شرح دعای «يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ» پرداخته است. جستجوها نشان می‌دهد که تاکنون درباره دعای پنجم ماه رجب، پژوهشی صورت نگرفته و نظر به اهمیت مضامین

آن در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی، در این پژوهش به ارزش‌سنجی سندی و محتوایی دعا پرداخته شده است.

## ۲. معرفی دعای پنجم ماه رجب

«أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ عَنِ ابْنِ عِيَّاشٍ قَالَ مِمَّا خَرَجَ عَلَيَّ بِدِ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ مَا حَدَّثَنِي بِهِ جُبَيْرُ (خَيْر) بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كَتَبْتُهُ مِنَ التَّوْقِيعِ الْخَارِجِ إِلَيْهِ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ادْعُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ رَجَبٍ؛ جماعتی از ابن عیاش مرا خبر دادند که ابن عیاش گفت: از آنچه را که بود بر دست شیخ کبیر ابی جعفر محمد بن عثمان بن سعید رضی الله عنه از ناحیه مقدسه، آتی است که خیر بن عبدالله من را به آن حدیث کرد که گفت: نوشتم من آن را از توقیعی که به سوی او فرستاده شد: - به نام خداوند بخشنده مهربان، بخوان در هر روز از ایام ماه رجب: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أَمْرِكَ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى سِرِّكَ، الْمُسْتَشِيرُونَ بِأَمْرِكَ، الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ، الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ، أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيئَتِكَ فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَأَزْكَاناً لِتَوْجِيدِكَ، وَأَيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقْهَا وَرَتِّقْهَا بِبَيْدِكَ، بَدُّهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ، أَعْضَادُ وَأَشْهَادُ وَمُنَاةٌ وَأَدْوَادٌ وَحَفَظَةٌ وَرُؤَادٌ، فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءُكَ وَأَرْضُكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ، وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبِمَقَامَاتِكَ وَعِلَامَاتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَرِيذَنِي إِيْمَاناً وَتَثْبِيْتاً. يَا بَاطِئاً فِي ظُهُورِهِ، وَظَاهِراً فِي بَطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ، يَا مُفْرَقاً بَيْنَ الثُّورِ وَاللَّيْجُورِ، يَا مُوصِوفاً بِغَيْرِ كُنْهِ، وَمَعْرُوفاً بِغَيْرِ شُبْهِ، حَادٍ كُلَّ مَحْدُودٍ، وَشَاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ، وَمَوْجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ، وَفَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ؛ لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ، أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ، يَا مَنْ لَا يَكْفِي بِكَيْفٍ، وَلَا يُؤَيِّنُ بِأَيْنٍ، يَا مُحْتَجِجاً عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يَا دَيْمُومٍ يَا قِيُومٍ وَعَالِمٍ كُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَلَيَّ عِبَادِكَ الْمُتَنْجِبِينَ، وَبِشْرِكَ الْمُحْتَجِّينَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ، وَالْبُهْمِ الصَّافِينَ الْحَافِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْمُرْجَبِ الْمُكْرَمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ، وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ، وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، وَأَبْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي وَصَعْتَهُ عَلَيَّ النَّهَارَ فَأُضَاءَ، وَعَلَيَّ اللَّيْلَ فَأَظْلَمَ، وَأَغْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا وَمَا لَا نَعْلَمُ، وَأَعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ، وَاكْفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَآمِنُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ، وَلَا تَكُنْ لَنَا إِلَى غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَبَارِكْ لَنَا فِيْمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلِحْ لَنَا حَيِّتَهُ

أَسْرَارِنَا، وَأَعْطْنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَاسْتَعْمَلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ، وَبَلَّغْنَا شَهْرَ الصَّيَامِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنْ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»؛

«به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ خدایا، از تو درخواست می‌کنم، به حق معانی تمام دعاهایی که متولیان امرت تو را به آن می‌خوانند، آنان که امین راز تو هستند و به امر تو شادند و بیان‌کنندگان نیرویت و آشکارکنندگان بزرگی‌ات می‌باشند، از تو می‌خواهم به حق آنچه از مشیتت درباره ایشان گفته شد، پس آنان را قرار دادی معادن کلمات و پایه‌های توحیدت و آیات و مقاماتت که تعطیلی برای آن‌ها در جایی نیست، تو را با آن‌ها شناسد هرکه شناسدت، بین تو و آن‌ها تفاوتی نیست جز اینکه ایشان بندگان و آفریده‌تواند که باز و بسته‌شدن کارشان به دست توست، آغازشان از تو و انجامشان به‌جانب توست، آنان بازوان و گواهان و بخشندگان و مدافعان و نگهبانان و بازرسان‌اند، آسمان و زمینت را با حقیقت آنان انباشتی تا آشکار شد که معبودی جز تو نیست، پس به‌حق همه این‌ها و به جایگاه‌های عزت از رحمتت و به مقامات و نشانه‌هایت از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و بر ایمان و پایداریم بیفزایی، ای نهان در عین ظهور، ای ظاهر در عین نهان و مستوری، ای جداکننده بین روشنایی و تاریکی، ای وصف شده بدون این‌که ژرفای وجودش درک شود و ای شناخته شده بدون تشبیه، مرزبند هر محدود، گواه هر گواهی‌پذیر، هستی‌بخش هرچه هست و شماره‌کننده هر شماره و گم‌کننده هر گم‌شده؛ معبودی غیر تو نیست، اهل بزرگ‌منشی و جودی، ای که چگونگی‌پذیری و به‌جایی در ننگجی، ای پوشیده از هر دیده، ای جاودان، ای به خود پاینده و دانای هر دانسته، بر محمد و خاندانش درود فرست و بر بندگان برگزیده‌ات و انسان‌های در پرده‌ات و فرشتگان مقربت و شجاعان صف کشیده گرداگرد عرش‌ت. و مبارک گردان بر ما در این ماه بزرگ و ماه مکرم و آنچه پس از این است از ماه‌های محترم، در این ماه نعمت‌هایت را بر ما فراوان کن و نصیب‌های ما را سرشار فرما و سوگندهای مان را به انجام برسان، به‌حق اسم بزرگ‌تر و بزرگ‌تر و عظیم‌تر و گرامی‌ترت که چون بر روز نهادی روشن شد و چون بر شب گذاردی تاریک گشت و از گناهانمان بیامرزد آنچه را تو می‌دانی و آنچه را ما نمی‌دانیم و ما را از گناهان حفظ کن به بهترین نگاه‌داری و ما را از حوادثی که مقدر نموده‌ای کفایت فرما و بر ما به حسن توجهت منت گذار و به غیر خودت وامگذار و ما را از خیرت منع مکن و به عمرهایمان به اندازه‌ای که مقدر فرموده‌ای برکت ده و رازهای پنهان ما را سامان ده و از جانب خود به ما امان بده و ما را با حسن ایمان به کار گمار و به ماه

رمضان و روزها و سال‌های پس از آن برسانمان، ای دارای جلالت و بزرگواری» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۸۰۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۸ق، ۶۴۷؛ کفعمی، ۱۴۱۸ق، ۱۷۹؛ بهایی، ۱۳۸۴ش، ۲: ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۸: ۳۹۳؛ قمی، ۱۳۷۵ش، ۲۳۳؛ قیومی، ۱۳۷۵ش، ۱۹۲؛ ملکی تبریزی، ۱۳۷۵ش، ۱۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ش، ۶۲۸؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۷ش، ۱۱).

### ۳. تاریخ مندی دعا

به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین کتاب ادعیه که حاوی این دعا باشد، کتاب «مصباح المتعبد و سلاح المتعبد» شیخ طوسی است. او در فصل اعمال ماه رجب به ذکر این توقیع به نقل از محمد بن عثمان از نواب خاص امام زمان (عج) می‌پردازد (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۸۰۳). بعد از شیخ طوسی، سید بن طاووس در کتاب «اقبال بالاعمال الحسنه» آن را به نقل از جدش شیخ طوسی می‌آورد (ابن طاووس، ۱۴۱۸ق، ۶۴۷). آن‌گاه تقی‌الدین ابراهیم بن علی کفعمی، ابتدا در کتاب «البلد الامین» (کفعمی، ۱۴۱۸ق، ۱۷۹) و سپس در کتاب «المصباح» (کفعمی، ۱۴۲۰ق، ۵۲۹)، آن را در اعمال ماه رجب نقل می‌نماید. شیخ بهایی آن را در کتاب «منهاج النجاح فی ترجمه مفتاح الفلاح» بیان می‌کند (بهایی، ۱۳۸۴ش، ۲: ۳۲) و بالاخره علامه مجلسی در کتاب «بحار الانوار» آن را با ذکر سند به نقل از شیخ طوسی بیان می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۸: ۳۹۳). میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب «المراقبات» و علامه حسن‌زاده آملی در «رساله لقاء الله»، به شرح مختصری درباره مضامین دعا می‌پردازند (ملکی تبریزی، ۱۳۷۵ش، ۱۴۲؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۷ش، ۱۱). همچنین جواد قیومی با جمع‌آوری توقیعات صادره از امام عصر (ع) در کتابی به نام صحیفه المهدی به ذکر این توقیع می‌پردازد (قیومی، ۱۳۷۵ش، ۱۹۲). امروزه خواندن این دعا در میان مؤمنین با ذکر شدن آن در «مفاتیح الجنان» شیخ عباس قمی و «مفاتیح نوین» آیت‌الله مکارم شیرازی مرسوم و متداول شده است (قمی، ۱۳۷۵ش، ۲۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ش، ۶۲۸).

### ۴. اعتبارسنجی سندی دعا

سند این دعا به این صورت می‌باشد: «ابن عیاش از خیر بن عبدالله از محمد بن عثمان بن سعید از امام مهدی (عج)» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۸۰۳). در اسناد این حدیث به نقل از قدیمی‌ترین نسخه از این دعا که در کتاب «مصباح المتعبد و سلاح المتعبد» شیخ طوسی آمده است، سه راوی دیده می‌شود:

#### ۴-۱. ابن عیاش

نام کامل وی، احمد بن محمد بن عبیدالله بن الحسن بن عیاش بن ابراهیم بن ایوب الجوهری ملقب به ابو عبدالله می‌باشد. وی و پدرانش از چهره‌های معروف بغداد بوده و در اواخر عمر دچار اختلال حواس شده و سال وفاتش (۴۰۱ق) ذکر شده است. برای او کتاب‌هایی از جمله «کتاب اعمال ماه رجب، شعبان و رمضان، کتاب شعر، کتاب غسل، کتاب رجالی و کتاب اخبار نواب اربعه امام زمان (عج) ... نقل شده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۸۶؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ۷۸).

از آنجا که شیخ طوسی از دوستان وی و پدرش بوده (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۸۶) و به کتاب‌های او دسترسی داشته، لذا طریقتش به او صحیح می‌باشد (خویی، ۱۴۱۳ق، ۲: ۲۸۹). اما برخی رجالیون درباره وی سکوت و برخی او را تضعیف نموده‌اند (حلی، ۱۴۱۷ق، ۲۰۴؛ ابن داوود، ۱۳۹۲ق، ۵۴۳؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ۲: ۲۸۹).

#### ۴-۲. خیر بن عبدالله

ابوالحسن، خیر بن عبدالله، مشهور به النساج و الزاهد، متولد سامراء و ساکن بغداد، برخی نام او را محمد بن اسماعیل (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۲۴: ۱۰۵) و برخی محمد بن ابراهیم السامری (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۱۱: ۲۰۵) گفته‌اند. رجالیون حتی شیخ طوسی و نجاشی درباره وی مطلبی بیان نکرده‌اند و فقط بعضی حدیث‌پژوهان او را مجهول الحال و ذکر کننده این دعا و زیارت رجیبه دانسته‌اند (خویی، ۱۴۱۳ق، ۷: ۸۳؛ ابطحی، ۱۴۱۷ق، ۳: ۳۷۵؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۳ش، ۴: ۲۸۶؛ جواهری، ۱۴۲۴ق: ۳۷۵؛ قیومی، ۱۳۷۵ش، ۱۹۲). برخی نیز او را از شاگردان حسین به روح (م ۳۲۶ق) از نواب اربعه امام زمان (عج) دانسته‌اند (حرعاملی، ۱۴۲۲ق، ۲۸۲؛ نمازی‌شاهرودی، ۱۴۱۳ق، ۳۴۶).

تحقیق در کتب تاریخی و تراجم از وی به عنوان یکی از بزرگان و عرفای معروف صوفیه و از هم‌نشینان محمد بن ابراهیم صوفی و جنید و شبلی و دیگر عرفای مشهور آن دوران یاد شده است (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۱۱: ۲۰۵؛ ابن اثیر، ۱۹۶۶ق، ۸: ۲۹۷؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۲۴: ۱۰۵). وی دارای حلقه شاگردان و از ابدال و صاحبان طریقت صوفیه بوده و عمر وی بیش از صد سال و وفاتش در سال ۳۴۳ق گزارش شده است (ابن جوزی، بی‌تا، ۲: ۴۵۰؛ ابن خلکان، بی‌تا، ۲: ۲۵۱).

## ۳-۴. محمد بن عثمان

محمد بن عثمان بن سعید عمری ملقب به أباجعفر، خود و پدرش از وکیلان و از نواب اربعه امام مهدی (عج) می‌باشد. از آن‌جا که وی نایب‌الخاص امام عصر (عج) می‌باشد نیاز به بررسی رجالی ندارد اما علمای علم رجال نیز او را کاملاً توثیق نموده‌اند (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۴۴۷؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ۲۵۰، ۴۸۷؛ ابن داوود، ۱۳۹۲ق، ۱۷۸؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۲۶۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۱۴۸؛ وحید بهبهانی، بی‌تا، ۳۱۶؛ بروجردی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲۱۵؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۲۹، ۷: ۲۰۲؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ۷: ۱۵۴). نمونه‌ای از توثیق ایشان در کتب رجالی: «الْعُمَرِيُّ يُكْتَبُ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبُوهُ يُكْتَبُ أَبَا عَمْرٍو جَمِيعاً وَ كَيْلَانَ مِنْ جَهَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَهُمَا مَنْزِلَةٌ جَلِيلَةٌ عِنْدَ الطَّائِفَةِ» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۴۴۷).

**جمع‌بندی:** از آن‌جا که نزد رجالیون؛ ابن عیاش تضعیف، و خیر بن عبدالله مجهول الحال می‌باشد و فقط محمد بن عثمان توثیق شده است، لذا می‌توان رای به ضعف در سند حدیث داد. بنابراین حدیث از لحاظ سندی ضعیف می‌باشد.

## ۵. تاریخ‌گذاری دعای پنجم ماه رجب

امروزه در میان مستشرقان و به تبع آن مسلمانان، چهار روش برای تاریخ‌گذاری روایات، مرسوم شده است. این چهار روش عبارتند از:

الف. تاریخ‌گذاری بر مبنای مجادلات دینی و اختلافات سیاسی (روش گلدتسیهر)؛ ب. تاریخ‌گذاری بر اساس سیر تطور فقهی روایات (روش شاخات)؛ ج. تاریخ‌گذاری بر مبنای تغییرات متن یا استفاده از مضامین مشترک و کلیشه‌ها (روش نت<sup>۲</sup>)؛ د. تاریخ‌گذاری موسوم به اسناد-متن<sup>۳</sup> (معارف و شفیع، ۱۳۹۴ش، ۱۰۴-۱۳۳؛ آقایی، ۱۳۹۱ش، ۱۰۱-۱۴۰).

۱-۵. بر مبنای روش گلدتسیهر- که از اختلافات سیاسی یا مجادلات دینی در تاریخ‌گذاری حدیث استفاده می‌نماید (نیل‌ساز، ۱۳۹۰ش، ۱۲۷-۱۴۹) می‌تواند نشان‌دهنده اختلاف عقیدتی فرقه‌ها و نحله‌های موجود در آن زمان مانند: اختلاف متصوفه با فقیهان باشد. چون خیر بن عبدالله، نقل‌کننده دعا از نایب امام زمان (عج) خود یکی از بزرگان صوفیه است (ابن اثیر، ۱۹۶۶م، ۸: ۲۹۷؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۱۱: ۲۰۵؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق، ۲۴: ۱۰۵). یا به عبارتی چون خیر بن عبدالله از ابدال و بزرگان

1. Schacht.

2. Note.

3. Isnad-Cum-Matn.



عرفا بوده، از میان علمای آن دوره، وی توانسته متن دعا را که حاوی مضامین عالی عرفان اسلامی است، به خوبی از محمد بن عثمان درک و دریافت نماید و برای ابن عیاش روایت کند تا به دست شیخ طوسی رسیده باشد.

۲-۵. بر مبنای تاریخ‌گذاری به روش ساخت، که براساس یافتن حلقه مشترک برای روایات، استوار است (فقهی زاده و شفیع، ۱۳۹۴، ش، ۷-۳۲) می‌توان بیان نمود: از آنجا که حدیث، خبر واحد و دارای یک سلسه سند می‌باشد، لذا «حلقه مشترکی» برای آن قابل تصور نیست که بتوان با این روش از آن استفاده نمود. یعنی دعا فقط از یک طریق، روایت شده و مفرد می‌باشد و تمام کسانی که بعد از شیخ طوسی تا دوره معاصر حدیث را روایت کرده‌اند، از وی نقل نموده‌اند لذا می‌شود استدلال نمود که متن دعا توسط شیخ طوسی تثبت و ضبط شده است.

۳-۵. با بهره‌گیری از روش تاریخ‌گذاری نت، که در آن از شیوه «مضمون مکرر» و «کلیشه‌ها» در تحلیل حدیث استفاده می‌شود (معارف و شفیع، ۱۳۹۴، ش، ۱۰۴-۱۳۳؛ آقایی، ۱۳۹۱، ش، ۱۰۱-۱۴۰)، می‌تواند به ما این راهنمایی را کند که فراهایی از دعا که حاوی مضامین عالی مانند: مباحث توحید و صفات الهی و ... که تقریباً در تمام ادعیه و مزارها آمده، حتمی‌الصدور از ناحیه معصوم (ع) می‌باشند و از آنجا که محتوای دعا در ادعیه‌های دیگر مانند زیارت جامعه کبیره نیز آمده است، می‌توان به قوت و صحت آن استدلال نمود (توضیح در ادامه مباحث).

۴-۵. روش تاریخ‌گذاری اسناد-متن: در این روش به گردآوری همه تحریرهای موجود یک حدیث، اعم از جوامع حدیثی رسمی و غیر رسمی، آثار سیره و مغازی، کتب تراجم و رجال و حتی منابع و متون تفسیری پرداخته می‌شود (آقایی، ۱۳۹۱، ش، ۱۲۱؛ نیل‌ساز، ۱۳۹۰، ش، ۱۳۲). با روش تحلیل اسناد-متن این حدیث، این نکته قابل اثبات است: از آنجا که تمام تحریرهای این روایت مشابه بوده و زنجیره سند آن از امام مهدی (عج) تا شیخ طوسی یکی می‌باشد، یا به عبارتی چون متن دعا و سلسله اسناد آن در تمامی کتب ادعیه و مزار یکسان است و قدیمی‌ترین مرجعی که آن را نقل نموده، کتاب مصباح‌المتجهد و سلاح‌المتعبد شیخ طوسی می‌باشد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که متن دعا در زمان شیخ طوسی از کتاب ابن عیاش موجود نزد ایشان، نسخه‌برداری و تثبیت شده است و سایر مؤلفان کتب ادعیه از ایشان کپی و نسخه‌برداری نموده‌اند. هم‌چنان‌که سید بن طاووس و بقیه به آن اذعان می‌نمایند بنابراین نقطه مشترک و تثبیت‌کننده نهایی دعا، شیخ طوسی است (ابن طاووس، ۱۴۱۸ق، ۶۴۷؛ کفعمی، ۱۴۱۸ق، ۱۷۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۸: ۳۹۳؛ بهایی، ۱۳۸۴، ش، ۳۲).

## ۶. تحلیل محتوای دعا

دعا به ویژه در فرازهای اولیه آن حاوی مضامین عالی عرفان اسلامی است و در ادامه ضمن بیان صفات الهی و مراتب توحید، صلوات بر انسان‌های برگزیده و ملائک مقربین، درخواست‌های زیر از درگاه ایزد منان مطرح می‌گردد: صحت و سلامتی و عاقبت بخیری، فراوانی نعمت، طلب بخشش و رحمت، اخلاق نیک و بی‌نیازی نسبت به خلق، اكمال نعمت و ایمان کامل، افزایش صفت توکل، درخواست عمر مفید و با برکت، فیض بردن از نعمت‌های معنوی ماه رجب تا رمضان و....

در مورد خود دعا به ویژه فرازهای اولیه آن در بین اندیشمندان اسلامی چند دیدگاه وجود دارد:

**دسته اول:** دعا را دارای مضامین عجیب و کفرآمیز و نزد متشرعان غیر قابل باور و آن را از ناحیه معصوم نمی‌دانند و دعا را جعلی می‌دانند، از جمله این عالمان می‌توان به کفعمی، خویی و شوشتری اشاره نمود. تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی، عبارت «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا» را کفرآمیز و احتمالاً ناشی از غلو می‌داند (کفعمی، ۱۴۱۲ق، ۶۱۸)، آیت الله خویی در ذیل شرح رجالی خیر بن عبدالله، می‌نویسد: «هُوَ مَجْهُولُ الْحَالِ وَابْنُ عِيَاشٍ ضَعِيفٌ وَتَقَدَّمَ بِعُنْوَانِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مَضْمُونُ التَّوْقِيعِ الَّذِي أَوْلَهُ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلَاةُ أَمْرِكِ»، غَرِيبٌ عَنِ أَذْهَانِ الْمُتَشَرِّعَةِ وَغَيْرِ قَابِلٍ لِلِإِدْعَانِ بِضُدُورِهِ عَنِ الْمَعْصُومِ (ع)»؛ ایشان او را مجهول الحال و ابن عیاش را ضعیف و این توقیع را نزد متشرعان عجیب و صدورش را از معصوم نمی‌دانند (خویی، ۱۴۱۳ق، ۷: ۸۳)، علامه محمدتقی شوشتری این توقیع را در فصل ادعیه جعلی یا افترا بسته شده «فِي الْأَدْعِيَةِ الْمُفْتَرِيَّةِ» می‌آورد و قائل به ضعف سندی و متنی دعا از قبیل مواردی که با دیدگاه کلامی سازگار نیست مثل فراز «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا» که علامه آن را کفر محض می‌داند. همچنین مواردی که کاملاً اشتباه می‌باشد مثل فراز «وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْمُرْجَبِ الْمُكْرَمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ» که مشخص است که بعد از ماه رجب، ماه حرام نیست بلکه شعبان و رمضان است و علامه به این اشتباه و موارد دیگر اشاره و نتیجه گیری می‌نماید که دعا جعلی و افترا بسته شده به معصوم (ع) می‌باشد (شوشتری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۲۶۳-۲۶۵).

**دسته دوم:** این دسته دعا را حاوی مضامین والا و عالی عرفان اسلامی و مراتب توحید افعالی می‌دانند و در مباحث فلسفی، عرفانی و کلامی به آن استناد می‌کنند امثال ملاصدرا، علامه طباطبایی، امام خمینی، ملکی تبریزی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله نجابت شیرازی و شهید مطهری.

آیت الله جوادی آملی معتقد است؛ این دعا با مضامین بلند خود به تبیین برخی از مقام‌های معنوی ائمه اطهار (ع) پرداخته است. ایشان با بیان این‌که اهل بیت عصمت و طهارت به عنوان انسان‌های کامل معصوم، واسطه فیض خداوند هستند، بیان می‌دارند: انسان‌های کامل که خلیفه خدا و مجرا و مجلای فیض او هستند، رابط غیب و شهودند، زیرا سبب بهره‌مند شدن موجودات از فیض وجود می‌گردند. به بیان دیگر، اگر آن‌ها نمی‌بودند پیوندی میان خدا و مخلوقات نبود و فیوضات خداوند مجرا و مجلایی پیدا نمی‌کرد؛ یعنی هیچ چیز خلق نمی‌شد، در نتیجه قدرت خدا و یگانگی او هیچ‌گونه ظهور و بروز می‌داشت. این حقیقت بدین صورت در این توفیق شریف بیان شده است: «... فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ یعنی با آن خلفا و وسائط فیض خود، آسمان و زمین را از موجودات گوناگون پر کردی و بدین‌گونه روشن شد که الهی جز تو نیست، چون اولاً جایگاه خود آن‌ها در نظام خلقت، خلافت و وساطت در فیض است؛ نه الوهیت. ثانیاً تنها از ناحیه تو عهده‌دار خلافت‌اند؛ نه غیر تو، پس الوهیت در انحصار توست (جوادی آملی، ۱۳۸۵ ش، ۴: ۳۰۷).

ایشان در ادامه به یکی از برجسته‌ترین قسمت‌های دعا، یعنی فراز «فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَأَوْكَاناً لِتَوْجِيدِكَ، وَأَيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقْهَرُهَا وَرَتَّقُهَا بِإِيدِكَ، بَدُوْهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ» اشاره می‌نمایند و می‌گویند: الف- مراد از توحید در این جمله، توحید افعالی خدا است، زیرا اولاً وحدت سیاق (معادن کلمات الهی بودن، ارکان توحید و آیات و مقامات او قرار گرفتن) تنها با توحید افعالی سازگار است. ثانیاً «تعطیل» تنها درباره افعال الهی توهم می‌شود که آن نیز با گسترش فیض در علم و عین، نفی شده است؛ اما تعطیل در ذات اقدس الهی و نیز در اوصاف ذاتی وی که عین ذات اوست، اصلاً توهم نمی‌شود.

ب- استمرار خلافت انسان‌های کامل یا ائمه اطهار (ع) و این‌که آنان مجرا و مجلای همیشگی فیض الهی‌اند، از لوازم اصلی تعطیل‌ناپذیری مقامات و تجلیات الهی است، چون فیض او تنها از راه وسایط به «قابل»‌ها می‌رسد، زیرا قابل‌توان دریافت فیض را بی‌واسطه ندارد، هرچند فاعل می‌تواند به هر موجودی فیض برساند.

ج- «يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ»: اشاره به معنای اول ارکان توحید بودن آن ذوات مقدس دارد.

د- «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا»: درباره مقام ذات خدا نیست، زیرا ذات اقدس الهی منطوقه ممنوعه‌ای است که انبیای الهی نیز از ورود به آن و ادراکش عاجز و راجل مانده‌اند، پس

مربوط به مقام فعل اوست؛ یعنی هر کاری که از ذات اقدس الهی به صورت استقلالی برمی آید، از آن‌ها به شکل تبعی برمی آید (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ش، ۵: ۳۱۰).

ذ- «إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقْتُلُهَا وَرَتَّقُهَا بِبَيْدِكَ، بَدُّهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ»: به عدم استقلال آن ذوات مقدس اشاره دارد و این که تصرفات تکوینی و تشریحی آن‌ها تنها ناشی از مقام خلافت الهی آنان است. تقدم عبودیت بر سایر اوصاف، مؤکد این معناست (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ش، ۴: ۳۱۱).

آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی بیان می‌کند این دعایی است با مضامین عالی که درهایی از علم برای اهلش از آن گشوده می‌شود (ملکی تبریزی، ۱۳۷۵، ش، ۱۴۲). علامه حسن‌زاده آملی این توقیع را از اسرار مکنونه‌ی خداوند، که حقایق آن غیر قابل وصف و فقط برای صاحب دلان قابل درک می‌باشد، می‌داند و در ادامه شرح عرفانی فلسفی دعا می‌نویسد: «آری اهل بیت نبی (ص) به خدا قسم، منبع جوشان حکمت، معرفت، عرفان و خزینه‌های همه‌ی حقایق‌اند» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۷، ش، ۱۴).

در شرح این دعا آمده است: «خدایا به تمام معانی اسامی خودت که والیان امرت تو را می‌خواندند من تو را می‌خوانم. وَلَا تُؤْمِرُكَ یعنی چهارده معصوم (ع) که علاوه بر یقین و ایمان و عصمت و اطاعت تام، روح مبارکشان به تمام معنا متحرک به تحرک نور ساحت قدس ربوبی است ... و نیز به واسطه ایشان به بقیه موجودات حیات و علم و فهم و یقین عطا می‌شود، خدا عطا فرموده لیکن به مبارکی و شرافت وسطیت آن‌ها، یعنی همان‌طور که خداوند اجلّ بر جمیع موجودات احاطه دارد، آن امامی که متولّی عالم امر است نیز به همه موجودات احاطه دارد» (نجابت شیرازی، بی‌تا، ۲۵).

ملاصدرا با پذیرش قاعده امکان اشرف، چگونگی افاضه فیض را از وجود حق تعالی، بر اساس این قاعده بیان می‌کند و نشان می‌دهد که افاضه وجود و ریزش فیض به طور سلسله‌وار از اشرف به اخس است. یعنی ترتیب سلسله وجود صادره از حق تعالی است، همواره از اشرف به اخس و از اعلی به ادنی است و هرکس در احوال موجودات و نسبت بعضی بر بعضی دیگر نظر کند، می‌فهمد که ادنی و انقاص موجود نمی‌گردد مگر به سبب اعلی و اکمل، و این سببیت و تقدم، ذاتی و طبیعی است (ملاصدرا، ۱۴۱۴ق، ۳: ۲۴۴؛ قربانی، ۱۳۸۴، ش، ۱۱۷).

به گفته ملاصدرا: «حکیم الهی و عارف ربانی، سرور عالم است و به ذات کامل خود، که منور به نور حق است و فروغ‌گیرنده از پرتوهای الهی است، سزاوار است تا نخستین مقصود خلقت باشد و فرمان‌روا به همگی خلائق، و مخلوقات دیگر بر طفیل

وجود او موجود و فرمان‌بردار او امر اویند» (ملاصدرا، ۱۴۰۵ق، ۶۹) و ائمه معصومین به عنوان خلیفه‌الله واسطه بین خلق و حق تعالی هستند (همان، بی‌تا، ۵۶۹). همچنین درباره دیدگاه حکیم ملاصدرا درباره امام‌شناسی آمده است: «امام واسطه فیض الهی، علت غایی و حتی علت فاعلی جهان است. دارنده مقام انسان کامل و وجودی که هیچ‌گاه زمین خالی از آن نبوده است» (سالاری‌راد، ۱۳۸۷ش، ۱۱۵-۱۳۸).

از منظر امام خمینی، ائمه اطهار به عنوان نمونه‌ای بارز از انسان کامل و خلیفه‌الله هستند که جامع جمیع صفات ربوبی و حقایق اسمای الهی می‌باشند (خمینی، ۱۳۷۳ش، ۸۲). در این نگرش، آن‌ها کامل‌ترین مظهر خداوند بر روی زمین می‌باشند زیرا جامع همه کمالات اعطا شده و مظهر همه تجلیات از ناحیه او هستند (همان، ۱۳۷۴ش، ۶۰). یعنی او دارای ولایت مطلقه و صاحب مقام مشیت مطلقه است که موجودات هستی به واسطه او ظهور یافته و حقایق و ذوات بدان محقق شده‌اند (همان، ۱۳۷۵ش، ۶۰) و در رأس این هرم، پیامبر اکرم (ص) است. ذات مقدس الله که هم غیب و هم در عین حال ظاهر است و مستجمع همه کمال به طور غیر متناهی، در رسول اکرم (ص) متجلی است به تمام اسماء و صفات، و روز بعثت، روزی است که خدای بزرگ موجود کاملی که از او کاملتر نیست و نمی‌شود باشد، مأمور کرد که موجودات را تکمیل کند (همان، ۱۳۷۸ش، ۱۲: ۴۲۱).

**دسته سوم:** فقیهان و عالمانی هستند که با تعریف خاصی این فراز دعا را قبول دارند، افرادی مانند آیت‌الله بهجت و مکارم شیرازی و علامه طباطبایی. از نظر آیت‌الله بهجت، فراز «إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقَّهَا وَرَتَّقَهَا بِيدِكَ، بَدُوْهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ»: اشاره به مباحث وحدت وجود در قالب وحدت حکمیه و کثرت حقیقیه دارد (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰ش، ۱۳۰)؛ توضیح این‌که وحدت وجود، گاه به معنای وحدت مفهوم وجود است که اشکالی ندارد و گاه به معنای وحدت حقیقت است مانند حقیقت نور آفتاب و نور چراغ که هر دو یک حقیقت است ولی مصداق متعدد است آن هم اشکالی ندارد و گاه به معنای وحدت مصداق وجود است به این معنا که در عالم هستی وجودی جز خدا نیست و همه چیز عین ذات اوست این سخن مستلزم کفر است و هیچ‌یک از فقها آن را قبول نکرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ۱۰۱۴). علامه طباطبایی نیز با مطرح کردن سه نظریه وحدت وجود، کثرت و تباین وجودات، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت، نظریه آخر را قبول دارد (طباطبایی، ۱۳۸۵ش، ۵۴-۵۹).

## ۶-۱. ارزش سنجی محتوایی دعا

برخی از صاحب نظران (بستانی، ۱۳۸۶ش: ۳۳۲-۱۲۶؛ مسعودی، ۱۳۹۴ش: ۳۰۵-۱۶۰؛ نفیسی، ۱۳۷۷ش: ۵۲-۴۴) معیارهایی از جمله سنجش با قرآن، دلایل عقلی، سنجش با روایات قطعی، معیارهای کلامی، مخالفت با ضرورت مذهب، معیار سنجش سندی-متنی، هم سویی با احادیث و سایر ادعیه، سنجش نقل ها، معانی جملات و چگونگی سازگاری آنها با آهنگ کلی دعا، برای نقد حدیث و دعا بیان نموده اند. با استفاده از این معیارها و ملاکها در سنجش دعای پنجم ماه رجب، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

## ۶-۱-۱. سنجش با قرآن

مضامین دعا که به مباحث انسان کامل و خلیفه الله بودن ائمه اطهار (ع) و اولیاء الله اشاره می کند، به عقیده برخی از اندیشمندان دارای ارجاعات قرآنی هستند:

الف- ولایت تکوینی اولیاء الله: آیاتی از قرآن نشان می دهد فرستادگان و اولیای خدا دارای ولایت تکوینی هستند مانند: «وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ آتَىٰ قَدْ جِئْتَكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُتْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ»؛ و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده، که به آن ها می گوید: من نشانه ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده ام؛ من از گل، چیزی به شکل پرند می سازم؛ سپس در آن می دمم و به فرمان خدا، پرند می گردد و به اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلایان به برص [= پیسی] را بهبودی می بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم؛ و از آنچه می خورید، و در خانه های خود ذخیره می کنید، به شما خبر می دهم؛ مسلماً در این ها، نشانه ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید) (آل عمران: ۴۹). از این آیه و آیات مشابه (رک؛ مانده: ۱۱۰)، استفاده می شود که فرستادگان و اولیای خدا، به فرمان و اذن او می توانند به هنگام لزوم، در جهان تکوین و آفرینش تصرف کنند و برخلاف عادت و جریان طبیعی، حوادثی بوجود آورند یا به عبارتی این آیه و مانند آن، از دلایل روشن ولایت تکوینی اولیای خداست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۲: ۵۵۸، ۵: ۱۲۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۳: ۱۹۹)؛ و آیات: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (البقره: ۳۰)، «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ص: ۲۶) به موضوع خلیفه الله بودن انسان کامل {که مصداق بارز آن ها ائمه معصومین (ع) هستند} اشاره می نماید.

ب- آیاتی که دال بر حضور و سریان خداوند در سراسر هستی است و می‌تواند به مبحث «وحدت وجود» اشاره نماید: آیاتی چون: «إِنَّمَا تَوَلَّوْا فِثْمَ وَجْهِ اللَّهِ» (البقره: ۱۱۵) که دلالت دارد خدا در همه جا حضور دارد؛ حضوری مطلق به گونه‌ای که جایی از حضور او خالی نیست و سراسر هستی را پر کرده است. زیرا آن معبودی که با همه اشیا و اشخاص هست، خدایی است که تمام حقیقت هستی، اوست و با همه هست: «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (الحدید: ۴)، در دار هستی جایی از او خالی نیست، بلکه به هر فرد از خود او به او نزدیک‌تر است: «أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (الانفال: ۲۴). آیاتی که خداوند را اول و آخر و ظاهر و باطن می‌داند: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّهْرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (الحدید: ۳). آیاتی که حقیقت را منحصر در وجود و جهت حقی اشیا می‌داند. مانند: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (القصص: ۸۸)؛ یعنی آنچه در جهان حقیقت دارد تنها وجود حق تعالی است و اشیا به وجود حق قائم‌اند. هالک، یعنی چون وجود حق تعالی از آن‌ها گرفته شود، هالک می‌شوند و از خود حقیقتی مستقل ندارند.

#### ۶-۱-۲. معیار هم‌سویی با روایات قطعی

الف- «وَلَاةُ أَمْرٍ» در این دعا، مشابه و هم معنا است با فرازهایی از زیارت جامعه کبیره «السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاءِ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوَلَاةِ، وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ وَرَحْمَتِهِ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ؛ سلام بر پیشوایان دعوت‌کننده و پیش‌روان هدایت‌کننده و سروران سرپرست و مدافعان حمایت‌کننده و اهل ذکر و صاحبان فرمان و باقی‌مانده خدا و برگزیدگان او و گروه و صندوق دانش حق و حجت و راه و نور و برهان خدا و رحمت و برکات خدا بر آنان باد»؛ و نیز فراز «رَضِيكُم خُلَفَاءَ فِي أَرْضِيهِ؛ و شما را برای جانشینی خود بر روی زمین پسندید» (صدوق، ۱۴۱۱ق، ۲: ۳۶۱-۳۶۲).

ب- فراز «يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ» در این دعا، مترادف است با حدیث «بِنَا عُمِدَ اللَّهِ وَبِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَبِنَا وَحُدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ به وسیله ما، خدا بندگی می‌شود و به وسیله ما خدا شناخته می‌شود و به وسیله ما توحید خداوند متعال، تحقق می‌یابد و حضرت محمد (ص) حجاب خدای متعال است» (کلینی، ۱۳۷۵ش، ۱: ۱۴۵).

ج- فراز «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ» در دعا هم معنا است با حدیث «يَا ابْنَ آدَمَ! أَنَا أَقُولُ لِلْسَّيِّءِ كُنْ فَيَكُونُ، أَطْعَمَنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ، أَجْعَلُكَ تَقُولُ لِلْسَّيِّءِ كُنْ فَيَكُونُ؛

ای فرزند آدم! من به هر چیزی بگویم باش، موجود می‌شود، تو در فرمان‌هایم طاعتم کن تا تو را به مقامی برسانم که به هر چه گفتم باش، موجود شود» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۱: ۲۵۸). به تعبیر امام علی (ع): «وَاحِدٌ لَا يَبْعَدُ» (سید رضی، ۱۳۸۹، ۲۵۴)؛ یعنی او یکی است ولی نه از آن نوع یکی بودن که در مقوله اعداد وارد شود و کنار آن دومی و سومی و ... را بتوان فرض کرد بلکه او همان واحدی است که همه وحدت‌ها و کثرت‌ها در قلمرو او اتفاق می‌افتد و خود او از صفات مخلوقاتش مثلاً (به شمارش در آمدن) منزّه می‌باشد و نیز آنچه در روایات آمده که «يَبْصِرُ بِهِ» و «يَسْمَعُ بِهِ»، اشاره به همان وحدت حکمیه است، مانند حدیث قرب نوافل.

### ۳-۱-۶. معیار عقلی

معمولاً فلاسفه به کمک قدرت عقل و تفکر به اثبات یا رد موضوعی می‌پردازند، در قسمت تحلیل محتوا به دلایل فلسفی و عرفانی این مباحث پرداخته شد. بنابراین عقل نیز به کمک قرآن و روایات و با ابزارهای خود، مضامین عرفانی دعا را تایید می‌کند. برای نمونه، عقل بیان می‌نماید: ذات حق به این دلیل که وجود مطلق و لا یتناهی است، لذا عارف با رؤیت بزرگی حق، موجودات متناهی را در برابر او هیچ و غیر قابل اعتنا می‌بیند و به هر جا نظر می‌کند او را در همه جا خواهد دید (مطهری، ۱۳۷۹ش، ۱۴۲). در قرآن آمده است: «أَيَّمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ؛ به هر طرف که رو کنید، وجه الهی آنجاست» (البقره: ۱۱۵)، نیز امام علی (ع) می‌فرماید: «مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ وَمَعَهُ وَفِيهِ؛ به هیچ چیز نظر نینداختم مگر آن که خدا را پیش از آن، پس از آن، همراه آن و درون آن مشاهده کردم» (فیض کاشانی، ۱۴۲۸ق، ۱: ۴۹). به همین خاطر است که عارف در همه چیز، جلوه حسن و جمال معشوق ازلی را می‌بیند و به او عشق می‌ورزد: «به جهان خرّم از آنم که جهان خرّم از اوست/ عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست» (سعدی، ۱۳۹۴ش، ۵۹۱).

### ۴-۱-۶. معیار ارزیابی سندی-متنی

همان‌طور که ذکر شد در سلسله سند خیر بن عبدالله وجود دارد که رجالیون او را مجهول الحال دانسته و در مورد او مدح یا ذمی نیاورده‌اند اما تاریخ‌شناسان و نویسندگان کتب تراجم، او را از بزرگان صوفیه در زمان خود دانسته‌اند. از آنجا که مضامین دعا، عرفانی است این می‌تواند دو فرض را محتمل نماید: ۱- یا راوی چون خود به عرفان آشنا بوده



لذا این مطالب را وضع و به نائب امام نسبت داده است. ۲- راوی چون خود از ابدال و عرفای نامی بوده، لذا توانسته این دعا را از نائب امام دریافت، درک و برای دیگران نقل نماید. استواری و قوت محتوای متن و هم‌سویی با دیگر ادعیه، احتمال دوم را تقویت می‌نماید یعنی از آنجا که محتوای متن، قابل قبول می‌باشد. لذا خود ابن حدیث و چند توفیق دیگر که ایشان در سلسله سند آن قرار می‌گیرد، می‌تواند وسیله معرفی راوی و مدح وی باشد.

### ۵-۱-۶. معیار هم‌سویی با دیگر ادعیه

در سایر دعاهای منسوب به ائمه (ص) هم معنا با این مضامین، استفاده شده است:

**الف- زیارت جامعه کبیره:** این زیارت سرشار از مضامین عالی در ارتباط با مقام والای ائمه (ع) از جمله مقام و لاه امر و خلیفه‌الله بودن و سایر ویژگی‌های معرفتی آن‌ها را دارا می‌باشد. فراهایی مانند: «السَّلَامُ عَلَیْ أَيْمَةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التَّقَى، وَذَوَى النَّهَى وَأَوْلَى الْحِجَى، وَكُهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالِدَعْوَةِ الْحُسْنَى، وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَیْ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِنِ بَرَكَاتِهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَذُرِّيَةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ سلام بر پیشوایان هدایت و چراغ‌های تاریکی و پرچم‌های پرهیزگاری و صاحبان خرد و دارندگان زیرکی و پناهگاه مردمان و وارثان پیامبران و نمونه برتر و دعوت نیکوتر و حجت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت و این جهان و رحمت و برکات خدا بر آنان باد؛ سلام بر جایگاه‌های شناخت خدا و مسکن‌های برکت خدا و معدن‌های حکمت خدا و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و جانشینان پیامبر خدا و فرزندان رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) و رحمت و برکات خدا بر آنان باد؛

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفُونَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ؛ اصطفایکم بعلمیه، وازتضایکم لغیبیه، واختارکم لیسرته، واجتباکم بقدرتیه، وأعزکم بهداه، وخصکم بپرهانیه، وانتجبکم لنوره، وأیدکم بروحیه، وگواهی می‌دهم که شما را پیشوایان راهنما، راه‌یافته، معصوم، مکرم، مقرب پرهیزگار، راست‌گو، برگزیده، فرمان‌بردار خدا، قیام‌کننده به فرمانش، عمل‌کننده به خواسته‌اش، دست‌یافته به کرامتش؛ شما را با دانشش برگزید و برای غیثش پسندید و برای رازش انتخاب کرد و به قدرتش اختیار کرد و

به هدایتش عزیز نمود و به برهانش اختصاص داد و برای نورش برگزید و به روحش تأیید فرمود. وَ رَضِيكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَ حُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَ خَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَ مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ، وَ تَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ، وَأَزْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ، وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ، وَأَدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَ أَمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ و شما را پسندید برای جانشینی در زمینش و دلایل محکمی بر مخلوقاتش و یاورانی برای دینش و نگهبانانی برای رازش و خزانه دارانی برای دانشش و محل نگه داری برای حکمتش و مفسران وحی اش و پایه های یگانه پرستی اش و گواهانی بر خلقش و پرچم هایی برای بندگانش و مراکز نوری در کشورهايش و راهنمایانی بر راهش، خدا شما را از لغزش ها حفظ کرد و از فتنه ها ایمن داشت و از آلودگی پاک کرد و پلیدی را از شما ببرد و پاکتان نمود، پاک کردنی شایسته» (صدوق، ۱۴۱۱ق، ۲: ۳۶۰؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ۲: ۲۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۹: ۱۲۷).

**ب- دعای شب نیمه شعبان:** «اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا، الَّتِي قَرَنْتَ إِلَى فَضْلِهَا فَضْلًا، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقًا وَعَدْلًا، لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِكَ، وَلَا مُعَقَّبَ لآيَاتِكَ، نُورُكَ الْمُتَالِقُ، وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقُ، وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي طَخْيَاءِ الدِّيَجُورِ، الْغَائِبُ الْمَسْتُورُ جِلَّ مَوْلِدُهُ، وَكُرْمَ مَحْتَدُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ شُهَدَاءُهُ، وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ، إِذَا أَنْ مِيعَادُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيَفُ اللَّهُ الَّذِي لَا يَنْبُو، وَنُورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُو، وَذُو الْجِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُو، مَدَاؤُ الدَّهْرِ، وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْتَزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمَةً وَحِيهِ، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ؛ خدایا به حق این شب و مولود در آن و به حق حجّت و موعود او که به فضیلتش فضیلت دیگری را قرین کردی، پس کامل شد کلمه ات به راستی و عدالت، برای کلمات دگرگون سازی نیست و برای آیات پس زنده ای نمی باشد، نور درخشان و پرتو فروزانت و نشانه روشنیت در شب تاریک، آن غایب پوشیده از نظر که عظیم بوده و لادتش و شریف است اصل و نسبش، فرشتگان گواه اویند و خدا یاور و تأییدکننده اش، آن گاه که وعده ظهورش در رسد و فرشتگان مددکاران اویند، شمشیر خداست که کند نشود و نور حق است که خاموش نگردد و با بردباری است که کاری بی منطق انجام ندهد، مدار روزگار است. [پدرانش] نوامیس عصر و متولیان حکومت حق اند، نازل شده بر آنان آنچه در شب قدر نازل می شود، اصحاب حشر و نشرند و مفسران وحی خدا و والیان امر و نهی حق ...» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۸۴۲؛ ابن طاووس، ۱۴۱۸ق، ۷۰۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ش، ۶۸۲).

ادعیه زیر نیز می‌تواند به مبحث وحدت وجود اشاره داشته باشد:

**الف- دعای عرفه:** «فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ؛ تَوَرَّا دِيدِمَ كَهْ فِي تَمَامِ أَشْيَاءِ ظَاهِرِ بُوْدِي» و «أَيُّكُونُ لِعَٰغِيْرِكَ مِّنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّىٰ يَكُونُ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ مَتَىٰ غِيْتِ حَتَّىٰ تَحْتَاجَ إِلَيَّ ذَلِيْلٌ يَدُلُّ عَلَٰيْكَ؛ أَيَا اسَاسَا بَرَاي مَا سَوَاي تَو ظَهْوَرِي هَسْت كه در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو گردد، تو کی پنهان شده‌ای تا محتاج به دلیلی باشیم که به تو راهنمایی کند» و «أَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ؛ در همه چیز خود او است که خود را به ما می‌شناساند پس تو را دیدم که در تمام اشیاء ظاهر بودی و تو بر همه چیز ظاهری» (ابن طاووس، ۱۴۱۸ق، ۳۳۹: کفعمی، ۱۴۱۸ق، ۲۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۵: ۲۱۶؛ قمی، ۱۳۷۴ش، ۴۳۱).

**ب- دعای ابو حمزه ثمالی:** «بِكَ عَرَفْتُكَ وَ أَنْتَ دَلَّلْتَنِي عَلَٰيْكَ وَ دَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَ لَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ؛ بوسیله خودت من تو را شناختم و تو مرا بر خود راهنمایی کردی و به سوی خود خواندی و اگر تو نبودی، من نمی‌دانستم که تو کیستی» و فراز «حَبِّبَ إِلَيَّ لِقَائِكَ وَ أَحَبِّبَ لِقَائِي؛ خدایا من را دوستدار لقای خویش کن و نیز لقای مرا دوست بدار» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۵۸۲؛ ابن طاووس، ۱۴۱۸ق، ۶۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ش، ۷۱۷).

### ۶-۱-۶. معیار کلامی

عصر صادقین (ع) از نظر رشد و پیدایش جریانات گوناگون کلامی و فقهی و ترجمه آثار سایر ملت‌ها، عصری حساس و ویژه بود و مشرب‌ها و فرقه‌های فراوانی مانند: معتزله، مرجئه، زنادقه، قدریه، کیسانیه، زیدیه و غلات به وجود آمده بودند. در نتیجه شرایطی به وجود آمد که تشخیص راه صحیح از خطوط انحرافی به دشواری صورت می‌گرفت. در برخورد با این جریانات، امام باقر و صادق (ع) برخوردی فعال نمودند و خود یا از طریق تربیت فقیه و متکلم و محدث، باب بحث و مناظره را با آنان در مجالس گوناگون گشودند (معارف، ۱۳۹۳ش، ۲۲۳؛ شاکری، ۱۴۱۸ق، سرتاسر اثر).

نمونه مناظره در مبحث وحدت وجود: جابر سؤال کرد: تو که می‌گویی: خدا در همه جا هست ناگزیر باید تصدیق کنی که خدا در همه چیز نیز هست! امام جعفر صادق (ع): جواب مثبت داد. جابر گفت: در این صورت گفته آن‌هائی که می‌گویند: خالق و مخلوق یکی است بایستی صحیح باشد. چون وقتی قائل بشویم که خداوند در همه چیز هست باید تصدیق کنیم که هر چیز و لوسنگ و آب و گیاه خداست. امام: این طور نیست و تو اشتباه می‌کنی و خدا در سنگ و آب و گیاه هست، ولی سنگ و

آب و گیاه خدا نیست، همان طور که روغن در چراغ هست ولی چراغ روغن نمی باشد. خداوند در هر چیز هست اما برای این که آن چیز اولاً به وجود آید و ثانیاً به زندگی جمادی یا گیاهی یا حیوانی ادامه بدهد و باقی بماند و از بین نرود. مایه روشنائی چراغ یعنی بقای آن روغن و فتیله است، اما چراغ، روغن و فتیله نیست. روغن و فتیله برای خلق کردن شعله در چراغ است و چراغ نمی تواند دعوی کند که چون روغن و فتیله در او می باشد پس او روغن و فتیله است و محال می باشد که مخلوق که از طرف خالق به وجود آمده بتواند خالق بشود (منصوری، ۱۴۰۹ق، ۵۱۵-۵۱۷).

### ۶-۱-۷. آهنگ کلی دعا

در معارف اسلامی، امام معصوم به عنوان «ولاه امرک» و انسان کامل یا خلیفه الله معرفی شده و دارای مقام شفاعت به اذن الله می باشد. در این دعا نیز، ما آن ها را نزد الله به عنوان شفیع قرار داده و از درگاه خداوند ضمن تحمید و استغفار، حاجات خود را طلب می کنیم. اصل شفیع قرار دادن انسان کامل به عنوان خلیفه الله در پیشگاه ایزد منان، هم مورد قبول عقل است و هم شرع. استدلال های عقلی و وحیانی بر شفیع قرار گرفتن امام معصوم (ع) به عنوان انسان کامل، نزد خدا صحت می گذارد. در قرآن و روایات و ادعیه این موضوع مورد تاکید قرار گرفته است مانند: «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (البقره: ۲۵۵) و «دعای توسل به چهارده معصوم (ص): «يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۹: ۲۴۷) یا دعای شعبانیه: «اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعًا مُشْفَعًا، وَ طَرِيقًا إِلَيْكَ مَهْيَعًا؛ خدایا او را برا من شفيعی با شفاعت پذیرفته و راهی روشن به سویت قرار ده» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۸۲۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۸ق، ۶۸۷).

نیز در دعای فرج آمده است: «اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَلَيْنَا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا كَلَّمَحِ الْبَصِيرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ؛ خدایا! درود فرست بر محمد و آل محمد که صاحب امر الهی (و مقام خلافت) هستند و بر ما اطاعتشان را واجب کردی و به واسطه این مطاع بودن مقامشان را به ما شناساندی، پس به حق منزلت و قدر آنها که به ما گشایشی نزدیک چون چشم به هم زدن یا زودتر عطا فرما» (ابن طاووس، ۱۳۷۱ش، ۲۸۱؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ۲۱۲؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ۵۹۱؛ کفعمی، ۱۴۱۸ق، ۱۷۶؛ قمی، ۱۳۷۵ش، ۱۹۲)؛ یا در دعای استغاثه به امام زمان (عج) آمده است: «يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، حَاجَتِي... فَأَشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ

شَفَاعَةً مَّقْبُولَةً وَمَقَاماً مَّحْمُوداً، فَيَحَقُّ مَنِ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ، وَازْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللَّهَ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي وَإِجَابَةِ دَعْوَتِي وَكَشْفِ كَرْبَتِي؛ ای سرورم ای صاحب زمان، ای فرزند رسول خدا، حاجت من این و آن است؛ در برآورده شدن حاجاتم نزد خدا واسطه شو، من با حاجاتم به سوی تو رو نمودم، چون می دانم شفاعت تو نزد خدا پذیرفته می شود و مقام تو در بارگاهش بس ستوده است، پس به حق آن که شما را به امر خویش خاص گرداند و برای بیان اسرارش برگزید و به حق جایگاهی که شما در پیشگاه خدا دارید که تنها بین شما و اوست، برآوردن خواهم و اجابت دعایم و برطرف شدن اندوهم را از خدا بخواه. سپس بخواه هر چه خواهی که به خواست خدا برآورده شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۸: ۳۷۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ش، ۵۲۰)؛ بنابراین آهنگ کلی دعا، نشان از صحت متن آن دارد.

همچنین استثناء موجود در این فراز دعا «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقُّهَا وَرَتَقْتُهَا بِبَيْدِكَ، بَدُّوْهَا مِنْكَ وَعَوَّدُهَا إِلَيْكَ» نشان می دهد: «وَلَاؤُهُ أَمْرٌ» بندگان و مخلوقات الهی هستند و تمام امورشان به دست خداست و با وجود این استثناء و اظهار بندگی ایشان، اصلاً بوی کفر و غلو در این دعا به مشام نمی رسد.

## ۷. نتیجه گیری

نتایج جستجو در میان کتب ادعیه، رجال، تاریخ، فلسفه، عرفان و تاریخ گذاری و اعتبارسنجی سندی و محتوایی این دعا به این صورت است:

۱- اعتبارسنجی سندی نشان می دهد، از آنجا که نزد رجالیون ابن عیاش، تضعیف و خیر بن عبدالله مجهول الحال شناخته شده اند، لذا حکم به ضعف سندی دعا داده می شود اما قوت و محتوای عالی متن و هم سویی و قرینه بودن با دعاهای دیگر، جبران این ضعف را می نماید لذا می توان به متن دعا اعتماد نمود و آن را صحیح دانست.

۲- اعتبارسنجی محتوایی نیز نشان می دهد از آنجا که امام معصوم به عنوان ولاه امر یا خلیفه الله، دارای مقام شفاعت به اذن الله هستند و در این دعا نیز ما آن ها را نزد خداوند به عنوان شفیع قرار داده و حاجات خود را طلب می کنیم، پس متن دعا صحیح و حدیث قابل اعتماد می باشد.

۳- استثناء موجود در فراز «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ» بر بندگی و مخلوق بودن «ولاه امر» تاکید و دعا را از بوی کفر و غلو رهایی می بخشد.

۴- تاریخ گذاری حدیث نشان می دهد متن دعا در زمان شیخ طوسی در کتاب



- حاجی حسنی، زهرا؛ مهریزی، مهدی، «گزارشی از تحلیل مضامین ادعیه ماه رجب براساس مصباح المتبهجد شیخ طوسی»، علوم حدیث، ۱۳۹۱ش، شماره ۶۴، ص ۱۶۰-۱۸۰.
- حراملی، محمد بن حسن، ایقاط من الهمجه بالبرهان علی الرجعه، قم، دلیل ما، ۱۴۲۲ق.
- حسن زاده آملی، حسن، رساله لقاء الله، قم، نشر الف. لام. میم، ۱۳۸۷ش.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، قم، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- خمینی، روح الله، مصباح الهدایه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۳ش.
- \_\_\_\_\_، شرح دعای سحر، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۴ش.
- \_\_\_\_\_، تعلیقه علی الفوائد الرضویه، تهران، موسسه نشر آثار امام، ۱۳۷۵ش.
- \_\_\_\_\_، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸ش.
- خویری، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، قم، دفتر آیت الله العظمی خوئی، ۱۴۱۳ق.
- ذهبی، شمس الدین محمد، تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق.
- سالاری راد، معصومه، «بررسی امامت در آثار صدر المتألهین و حکمت متعالیه»، پگاه حوزه، ۱۳۸۷ش، شماره ۲۴۷، ص ۱۱۵-۱۳۸.
- سعدی شیرازی، مصلح الدین، کلیات سعدی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۴ش.
- سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات امیرالمومنین، ۱۳۸۹ش.
- شاکری، حسین، مناظرات الامام الصادق (ع)، قم، چاپخانه ستاره، ۱۴۱۸ق.
- شوشتری، محمدتقی، الاخبار الدخیله، تهران، مکتب صدوق، ۱۴۱۵ق.
- صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق.
- \_\_\_\_\_، من لا یحضر الفقیه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۱ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، صدرا، ۱۳۸۵ش.
- \_\_\_\_\_، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتبهجد و سلاح المتعبد، بیروت، فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.
- \_\_\_\_\_، رجال الطوسی، تحقیق، ج قیومی. قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ق.
- \_\_\_\_\_، الفهرست کتب الشیعه و اصولهم، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، المزار فی کیفیت زیارات النبی و الأئمة (ع)، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۱۰ق.
- فقهی زاده، عبدالهادی؛ شفیعی، سعید، «تاریخ گذاری حدیث «علیکم بسنتی و سنه الخلفاء الراشدين»»، حدیث پژوهشی، سال ۷، ۱۳۹۴ش، شماره ۱۴، صص ۷-۳۲.
- فیض کاشانی، محمد، عین الیقین (الانوار و الاسرار)، بیروت، دارالحواء، ۱۴۲۸ق.
- قربانی، قدرت الله، «فلسفه امامت در اندیشه ملاصدرا و امام خمینی»، حوزه، ۱۳۸۴ش، شماره ۵۴، صص ۱۳۸-۸۴.
- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم، افق فردا، ۱۳۷۵ش.
- قیومی، جواد، صحیفه المهدی (عج)، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۵ش.
- کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۱۸ق.
- \_\_\_\_\_، المصباح (جنة الأمان الواقیة و جنة الإیمان الباقیة)، بیروت، موسسه النعمان، ۱۴۲۰ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.

- محمدی ری شهری، محمد، موسوعة العقائد الاسلاميه، قم، دار الحديث، ۱۳۸۳ ش.
- \_\_\_\_\_، زمزم عرفان، قم، موسسه دار الحديث، ۱۳۹۰ ش.
- مسعودی، عبدالهادی، وضع و نقد حدیث، تهران، سمت، ۱۳۹۴ ش.
- مطهری، مرتضی، عرفان حافظ، تهران، صدرا، ۱۳۷۹ ش.
- معارف، مجید و شفیعی، سعید، درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۹۴ ش.
- معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث بارویکرد تحلیلی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۹۳ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- \_\_\_\_\_، توضیح المسائل همراه با استفتانات، قم، انتشارات امام علی بن ابی‌طالب، ۱۳۷۵ ش.
- \_\_\_\_\_، مفاتیح نوین، قم، انتشارات امام علی بن ابی‌طالب (ع)، ۱۳۸۴ ش.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد، عرفان و عارف نمایان، ترجمه: محسن بیدار، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۴۰۵ ق.
- \_\_\_\_\_، حکمت متعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ق.
- \_\_\_\_\_، مبدا و معاد، ترجمه، احمد حسینی اردکانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، بی‌تا.
- ملکی تبریزی، میرزا جواد، المراقبات، قم، نشر اخلاق، ۱۳۷۵ ش.
- منصوری، ذبیح الله، مغز متفکر جهان شیعه، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۴۰۹ ق.
- نجابت شیرازی، حسن علی، شرح دعای رجبیه، قم، مرکز تخصصی دعا، بی‌تا.
- نجاوشی، احمد بن علی، رجال نجاوشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)، قم، انتشارات آیت‌الله شبیری زنجانی، ۱۴۰۷ ق.
- نقیسی، شادی، «معیارهای نقد دعا در اخبار الدخیله»، آینه پژوهش، دوره ۹، ۱۳۷۷ ش، شماره ۵۳، صص ۴۴-۵۲.
- نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، موسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
- نیل‌ساز، نصرت، «تاریخ‌گذاری احادیث بر اساس روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن در مطالعات اسلامی و خاورشناسان»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۴، ۱۳۹۰ ش، شماره ۱، صص ۱۲۷ تا ۱۴۹.